

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

نقد و بررسی اشکالات محقق اصفهانی (ره) بر مرحوم آخوند (ره)

عرض کردیم که مرحوم محقق اصفهانی (ره) بر مرحوم آخوند (ره) مجموعاً چهار اشکال وارد کرده‌اند که، عمده این اشکالات، اشکال دوم و سوم و چهارم هست، اینها را در بحث دیروز عرض کردیم. حالا ببینیم که آیا این اشکالات وارد است یا نه؟ که بنا شد آقایان هم این را دقت کنند و بنویسند. بعد از درس لطف کنند نوشته‌ها را به بنده تحویل دهند.

اشکال دوم مرحوم اصفهانی (ره)

مرحوم اصفهانی (ره) در اشکال دوم فرموده‌اند که: آخوند (ره) بین متعلق و موضوع خلط کرده‌اند. در باب متعلقات، متعلق يك عنوان و طبیعت کلیه است که، در عالم اعتبار موجود است، اما در عالم خارج، لزومی ندارد که وجود پیدا کند، حتی مولا در حین انشاء حکم هم لازم نیست که، این متعلق را مفروض الوجود قرار دهد، به خلاف موضوع. موضوع چیزی است که، مولا در مقام انشاء حکم، حتماً باید آن را مفروض الوجود قرار دهد و از این جهت هست که می‌توانیم بگوییم: فعلیت حکم، تابع فعلیت متعلق نیست، اما تابع فعلیت موضوع هست و تا موضوع در عالم خارج موجود نشود، حکم فعلیت پیدا نمی‌کند.

بعد از بیان این کبری، در تطبیقش بر ما نحن فيه فرموده‌اند: يك سقوط القضا داریم که نسبتش به این عمل خارجی، کسی که این عمل را آورده و می‌گوییم قضاء ساقط شده، نسبتش نسبت حکم به موضوع است نه نسبت حکم به متعلق، یعنی این عمل معین خارجی که آورده شده، دیگر قضاء و اعاده این عمل واجب نیست.

آنوقت نتیجه گرفته‌اند که، این تفصیل مرحوم آخوند (ره) در اوامر ظاهریه و اضطراریه که، اگر نسبت به کلی در نظر بگیریم، صحت در باب اوامر ظاهریه و اضطراریه، عنوان مجعول دارد و اگر نسبت به شخص و افراد و مصادیق در نظر بگیریم، عنوان غیر مجعول دارد.

مرحوم آخوند (ره) همین تفصیل را در باب معاملات هم داده‌اند، که مرحوم اصفهانی (ره) فرمودند: وقتی می‌گوییم: صحت، اگر به لحاظ طبیعت البیع و طبیعی يك معامله در نظر بگیریم، این صحت مجعول می‌شود، اما اگر نسبت به يك معامله خارجی و شخصیه در نظر بگیریم، عنوان مجعول را ندارد.

پس مرحوم اصفهانی (ره) فرموده‌اند: شما هم در آن مأمور به ظاهری و اضطراری و هم در معاملات بین متعلق و موضوع خلط کرده‌اید که، سبب شده است این تفصیل را بدهید که، بین شخصی و کلی، بین فرد و طبیعی فرق بگذارید.

اشکال استاد محترم بر اشکال دوم مرحوم اصفهانی(ره)

برای تحقیق در مطلب باید ببینیم که، آیا در اوامر ظاهری و اضطراری، آنچه که عنوان صحت برایش جعل شده، عنوان کلی است یا عنوان جزئی؟ مثلاً در باب قاعده فراغ و تجاوز، شارع می‌فرماید: «إذا شككت في شيء مما قد مضى فمضه، یا کل ما شككت في صلاتك أو طهورك مما قد مضى فمضه»، این فمضه، عبارت اخری صحت است، یعنی شارع می‌گوید: در موردی که فراغ از عمل پیدا کردی، اگر شك کردی در اینکه آیا جزئی را آوردی یا نه؟ صحیحاً آوردی یا نه؟ به آن شك اعتنا نکن و عمل، عمل صحیحی است.

اولاً اینجا شاهد خیلی خوبی هست که، شارع، این «فمضه» یعنی صحت، یعنی عدم الاعاده و عدم القضاء را جعل می‌کند که، اگر عمل شما تمام شد و در جزئی از اجزاء عمل شك کردی، «فمضه». صحت را شارع جعل می‌کند، چون طرف مقابلش را هم می‌توانست بیان کند که، اگر بعد از فراغ از عمل، شك کردی، به شك اعتنا کن و عمل را دومرتبه اعاده کن. پس هر دو طرف، یعنی هم صحت و هم فساد را اختیار شارع است.

حال بررسی کنیم که شارع، صحت را برای چه جعل کرده؟ در اینجا متعلق درست است، یعنی «لا یجب اعاده الصلاه»، مثلاً اعاده، متعلق می‌شود و در این اصلاً بحثی نیست. آیا آنچه را که شارع به عنوان موضوع قرار داده، عنوان کلی دارد یا اینکه موضوع، شيء و فرد معین خارجی است؟

گاهی می‌گوییم که: این عملی که انجام دادید، قضاء ندارد، اعاده ندارد. این امکانش هست و در امکانش تردیدی نداریم ولی در همین قاعده فراغ که، حکم به صحت را، بعد از فراغ از عمل می‌توانیم استفاده کنیم که، شارع صحت را برای عمل جعل کرده، موضوع، موضوع کلی است یا موضوع معین و مشخص خارجی است؟ روشن است که موضوع کلی است، شارع می‌گوید: «کل ما شكکت»، موضوع آن عنوان «من شك في عمله بعد الفراغ» است.

شارع برای این کلی، به نحو کلی جعل می‌کند که، هر کسی بعد از فراغ از عمل شك کرد، شارع صحت را برای آن جعل می‌کند. پس نتیجه می‌گیریم که، موضوع بودن درست است، شارع باید مفروض الوجود بگیرد، اما مفروض الوجود، با خارجی، معین و جزئی بودن تلازم ندارد. هر کسی که «بعد الفراغ عن العمل» شك می‌کند، شارع می‌گوید: چنین آدم‌هایی «فمضه»، باید بنا را بگذارند بر اینکه عمل صحیحاً انجام شده است.

لذا این فرمایش آخوند(ره) اشکالی ندارد که بگوییم که: صحت در مأمور به ظاهری یا اضطراری یا مواردی که شارع حکم به صحت کرده، يك مجعول شرعی است و موضوعش هم عنوان کلی است.

اشکال مرحوم خوئی(ره) در رد آخوند(ره)

در اینجا بیانی را مرحوم خوئی(ره) در رد آخوند(ره) داشته‌اند که این بیان شاید مقداری متأثر از مرحوم اصفهانی است. مرحوم آقای خوئی(ره)(محاضرات، جلد 5، صفحه 13) بیشتر مسئله را روی معاملات آورده، فرموده‌اند: این که مرحوم آخوند(ره) صحت و فساد را در معاملات کلیه، مجعول می‌داند، اما در معاملات شخصیه، غیر مجعول می‌داند، وقتی که می‌گوییم: موضوع عبارت از کلی است، این کلی هم برای اشاره به افراد است و نسبت به افراد انحلال پیدا می‌کند، هر فردی دارای يك حکم مستقلی می‌شود، پس در حقیقت هر فردی از افراد این موضوع، به نحو مستقل خودش عنوان موضوع پیدا می‌کند.

به عبارت اخری ایشان فرموده‌اند: درست است که در ادله امضاء، مثل «[احل الله البيع](#)» که، شارع بیع را امضاء فرموده، آنچه که موضوع واقع می‌شود، خود عنوان کلی است، اما این عنوان کلی، به لحاظ افراد خارجی است، یعنی این بیع انحلال پیدا می‌کند به تمام بیع‌هایی که در خارج موجود می‌شود و هر بیع موجود خارجی، دارای يك حکم مستقلی می‌شود.

نقد و بررسی این اشکال مرحوم خوئی(ره)

آنچه که می‌خواهیم عرض کنیم این است که، مرحوم آخوند(ره) هم این را قبول دارد، اما این انحلال به افراد، دیگر کار شارع که نیست، آخوند(ره) فرموده: ما باشیم و ظاهر ادله، هم در اوامر ظاهری و هم اضطرابی، موضوع کلی است، شارع صحت را برای همان موضوع کلی جعل می‌کند و اصلاً کاری به مصادیق خارجی ندارد، اگر هم بگوییم: این حکم به تعدد افراد، متعدد می‌شود، این تعدد و انحلال کار شارع نیست، بلکه مربوط به خود عقل است که می‌گوید: وقتی شارع بیع را امضاء کرد، هر بیع معین خارجی، خودش عنوان صحت پیدا می‌کند.

پس مانعی ندارد که بگوییم: موضوع یک عنوان کلی است و انحلال هم از طرفی واقع می‌شود، -ولو در اینکه آیا احکام به تعدد افراد انحلال پیدا می‌کنند یا نه، اختلافی بود که قبلاً هم بحثش را کردیم، امام(رضوان الله علیه) از کسانی هستند که، انحلال را اصلاً قبول ندارند- اما این انحلال که کار شارع نیست، مربوط به عقل است، پس در همین جعل صحت در مأمور به ظاهری و اضطرابی، آنچه که موضوع برای صحت است، همان عنوان کلی است.

بله، عقل می‌گوید: طبیعت من حیث هی که نمی‌تواند موضوع باشد، بلکه به لحاظ افرادش است، پس انطباقش بر افراد دیگر، یک انطباق عقلی و قهری است.

شارع نمی‌گوید شما زید که بعد از فراغ شک کردی، چه کار بکن، شما عمرو.....، بلکه می‌فرماید: «من شك في عمله بعد الفراغ عن العمل، يجب عليه يا يصح عليه الامضاء، يا فمضه»، باید بنا را بر صحت بگذارد، این صحتی که شارع جعل کرده، مربوط به همان عنوان کلی موضوع است و ما هم بیشتر از این در اینجا نمی‌خواهیم.

در باب صحت و فساد، معنا ندارد که بگوییم: این زید معین که نمازش را خواند، نمازش صحیح است، آیا این صحت را شارع برای این عمل خارجی جعل کرده یا نه؟ اصلاً معنا ندارد یک فقیه یا اصولی راجع به این صحت و فساد این عمل معین خارجی این شخص بخواهد بحث کند، تا بگوییم که: نسبت حکم به این عمل خارجی، نسبت حکم به موضوع است و موضوع باید مفروض الوجود باشد.

این همان فرمایش مرحوم اصفهانی(ره) است. می‌خواهیم عرض کنیم موضوع هم می‌تواند، ولو اینکه فرق را هم قبول داریم که، بین متعلق و موضوع این فرق وجود دارد که، در متعلق لازم نیست مولا متعلق را مفروض الوجود بگیرد، اما در موضوع باید مفروض الوجود بگیرد، لکن این که مفروض الوجود گرفتن با طبیعی بودن منافات داشته باشد، با خارجیت ملازمه داشته باشد، همه نقطه بحث در اینجا است و اشکال ما به مرحوم اصفهانی(ره) هم این جا است.

در باب حج، یک وجوب داریم، متعلق وجوب طبیعت الحج است، موضوع در اینجا مکلف المستطیع است، شارع وقتی می‌خواهد این وجوب را برای حج جعل کند، باید در هنگام جعل، مکلف مستطیع را مفروض الوجود بداند و الا اگر مفروض الوجود نباشد، وجوب حج را بر کم می‌خواهد جعل کند؟ منتهی الان که مفروض الوجود واقع شد، خود «المکلف المستطیع» عنوان عام است، درست است که موضوع و مفروض الوجود است، اما مفروض الوجود بودن، با خارجی بودن ملازمه ندارد. اساساً اول بحث که می‌خواهید وارد شوید، ولو اینکه اینها تصریح نکردند، وقتی که نزاع می‌کنیم که، آیا صحت و فساد امران مجعولان یا امران غیر مجعولان؟ صحت و فساد این عمل خارجی را نمی‌گوییم، عملی را که زید انجام داده، نمی‌خواهیم مورد بحث قرار دهیم، بلکه کلی را مورد بحث قرار می‌دهیم.

پس خلاصه عرض ما به مرحوم اصفهانی(ره) و هم مرحوم خوئی(ره) که بر مرحوم آخوند(ره) اشکال کرده‌اند، این است که، خود مرحوم آخوند(ره) هم متوجه هست که، طبیعی من حیث هو هو، موضوع و متعلق قرار نمی‌گیرد، شارع وقتی می‌فرماید: «[اقیموا الصلاه](#)»، صلاه من حیث هی را نمی‌خواهد متعلق قرار دهد، صلاه به اعتبار اینکه در عالم خارج وجود پیدا کند، متعلق قرار می‌گیرد. در متعلق این جهت وجود دارد، در موضوع هم، مکلف مستطیع به اعتبار اینکه در عالم خارج محقق می‌شود، موضوع قرار می‌گیرد. ولی این فرق بین متعلق و موضوع هست که در متعلق در حین جعل لازم نیست مفروض الوجود باشد، اما در موضوع باید مفروض الوجود باشد.

لذا در وجوب حج، وجوب فعلیتش، به فعلیت موضوع است، اگر مکلف مستطیع فعلیت پیدا کرد، آن هم فعلیت پیدا می‌کند و اگر فعلیت پیدا نکرد، آن فعلیت پیدا نمی‌کند، منتهی فعلیت پیدا نکردن، معنایش این نیست که، این حکم انشاء هم نشده‌است، این

حکم انشا شده و موضوعش هم يك عنوان كلي است و مفروض الوجود بودن با خارجي بودن ملازمه ندارد. در بیان مرحوم خوئي(ره) که بیشتر اشکال در باب معاملات است، اشکال ایشان این است که، این عناوین کلیه به لحاظ وجودشان در عالم خارج است.

جواب ما این است که به لحاظ وجود در عالم خارج، غیر از این است که بگوییم: این بیع را شارع تصحیح کرده است. الان زید که بیعی انجام داده، از فقیهی سوال می کند که، آیا بیع من صحیح است یا نه؟ و فقیه می گوید: صحیح است. آیا معنایش این است که، شارع برای خصوص بیع وي صحت را قرار داده، اصلاً شارع کاری به اشخاص و جزئیات ندارد، پس شارع صحت را برای کلی قرار می دهد، کلی را هم می تواند مفروض الوجود قرار بدهد، اما مفروض الوجود بودن با خارجي بودن ملازمه ندارد.

اشکال امام(ره) به مرحوم آخوند(ره)

هاکذا بیانی را هم امام(رضوان الله علیه)(مناهج الوصول، جلد 2، صفحه 155) در اشکال به مرحوم آخوند(ره) در این قسمت معاملات داشته اند که، آنچه که اثر برش مترتب است، این وجود خارجي است، عنوان بیع «بما هو عنوان کلي» که اثر برش مترتب نیست، اثر بر این بیع خارجي مترتب است، نه برای آن بیع و عنوان کلی. در نتیجه اشکال کرده اند که، شما که می گوئید: در معاملات، نسبت به عناوین کلیه صحت و فساد عنوان مجعول دارند، درست نیست، چون صحت و فساد در معاملات، به معنای ترتب و عدم ترتب اثر است و ترتب و عدم ترتب اثر مربوط به آن موجود و بیع خارجي است.

نقد و بررسی اشکال امام(ره)

آنچه که می شود به امام(ره) هم عرض کرد این است که، مرحوم آخوند(ره) نمی گویند که: بر آن عنوان کلی بما هو کلی صحت جعل شده است، قطعاً آن عنوان، بما اینکه مصادیقی در عالم خارج دارد و وجود خارجي پیدا می کند، صحت جعل شده است. اما شارع که می گوید: «[احل الله البيع](#)» اینجا کلی بیع را شارع امضاء می کند، صحت را برای کلی بیع و حرمت و فساد را برای کلی ربا جعل می کند. لذا بر این فرمایش مرحوم آخوند(ره) از این جهت اشکالی وارد نیست. پس نه اشکال دوم اصفهانی وارد بود، نه اشکال مرحوم خوئي و نه اشکال مرحوم امام(رضوان الله علیهم اجمعین) و تا این قسمت، این فرمایش آخوند(ره) متین است که بگوییم: در مأمور به ظاهري و اضطراري، شارع صحت را برای کلی جعل می کند و در معاملات هم صحت را برای کلی جعل می کند. هیچ اشکالی هم از این جهت ندارد.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين